

سیری در آثار و دیدگاه‌های محققان شوروی سابق در باره انقلاب اسلامی

جامعه مدرن در قرن بیستم، موجب پیدایش ناهنجاری عمیق اجتماعی گردید که این ناهنجاری در انقلاب متبلور شد^۱

۳- نظریه سومی که درباره علل انقلاب مطرح شده، فرضیه مذهب است. پیروان این نظریه که اغلب طبقه روحانی و قشر مذهبی جامعه هستند، بر این نکته پافشاری می‌کنند که سیاست اسلام‌زدایی رژیم پهلوی عامل اصلی سقوط آن رژیم بوده است.^۲

۴- اما فرضیه چهارمی که به عنوان علل انقلاب مطرح شده، اقتصاد است - پیروان این نظریه معتقدند که ناهنجاری‌های اقتصادی عامل بروز انقلاب اسلامی شده است. این نظریه بیشتر در بین مارکسیست‌ها و گروه‌های چپ طرفدار دارد. به باور حامیان این نظریه تورم اقتصادی و فسادهای مالی، رژیم را مجبور کرد که یک برنامه ضدتورمی را به اجرا بگذارد، اما سیاست‌های ضد تورمی به نوبه خود به نارضایتی بیشتر دامن زد و عدم موفقیت اقتصادی، ناچار به بحران سیاسی انجامید که این خود ناآرامی‌های اجتماعی را پدید آورد و منجر به انقلاب شد.^۳

اما نظریات پژوهشگران شوروی در چارچوب کدامیک از فرضیات ذکر شده قرار دارد؟ کتابی که در این مقاله معرفی شده در واقع کوششی برای پرداختن به این موضوع است.^۴

کتاب **انقلاب اسلامی از دیدگاه محققان شوروی**، ترجمه‌ای گزینشی از پاره‌ای مقالات و کتاب‌های محققان شوروی درباره انقلاب اسلامی است که توسط محقق تاجیک، **لقمان بایمت اف** به رشته تحریر در آمده است. در واقع نویسنده سعی کرده از بین آثار متعدد به زبان روسی که به انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، فهرستی تشریحی و تحلیل‌گونه ارائه دهد.

کتاب به شش فصل، یک مقدمه و یک نتیجه تقسیم می‌شود. در فصل اول با عنوان «شکل‌گیری دیدگاه‌ها راجع به انقلاب



• سلیمان حیدری

■ انقلاب اسلامی از دیدگاه محققان شوروی

(۱۹۹۰-۱۹۷۸م)

■ تألیف: لقمان بایمت اف

■ ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ

اول، ۱۳۸۲، ۱۹۲، ص، ۱۲۰۰۰ ریال، شابک: ۶-

۲۸-۸۱۳۴-۹۶۴

در باره انقلاب اسلامی ایران تاکنون مقالات و کتاب‌های متعددی به رشته تحریر در آمده است. نویسندگان این‌گونه آثار سعی کرده‌اند براساس چارچوب ذهنی و انگاره‌های فکری خود، به تحلیل علل و عوامل انقلاب بپردازند.

به طور کلی براساس نوشته‌های محققان می‌توان چهار فرضیه درباره علل وقوع انقلاب ایران در نظر گرفت:

۱- بر طبق فرضیه اول، انقلاب اسلامی در حقیقت یک برنامه از قبل طرح‌ریزی شده توسط قدرت‌های خارجی برای سرنگونی رژیم شاه در ایران بوده است. طرفداران این نظریه بیشتر اعضای خانواده سلطنتی، شاه و برخی از مقامات و سران رژیم پهلوی هستند.^۱

۲- فرضیه دیگری که اغلب در بین برخی از تحلیل‌گران غربی و ایرانی رواج دارد، «فرضیه مدرنیزه کردن» است. طرفداران این ترمعتقدند که کوشش‌های شاه در جهت تغییر ایران از یک جامعه عقب‌مانده به یک

کتاب «انقلاب اسلامی از دیدگاه محققان شوروی» ترجمه‌ای گزینشی از پاره‌ای مقالات و کتابهای محققان شوروی درباره انقلاب اسلامی است که توسط محقق تاجیک، لقمان بایمت اف به رشته تحریر در آمده است

اسلامی» مؤلف به فهرستی از مقالات و کتابها که درباره انقلاب اسلامی توسط پژوهشگران شوروی به رشته تحریر در آمده اشاره می‌کند. عده‌ای از این پژوهشگران معتقدند که انقلاب اسلامی پس از ۲۲ بهمن ۵۷ به پایان نرسید و همچنان ادامه دارد، علاوه بر این معتقد به تقسیم‌بندی تاریخی روند انقلاب اسلامی هستند.

به عقیده مؤلف، پژوهشگران شوروی در ارائه نظریات خود راجع به انقلاب اسلامی به طور کامل به نظریات مارکسیستی - لنینیستی پایبند بوده‌اند و تمام مسائل و موضوعات تاریخی را از آن دیدگاه مورد ارزیابی قرار داده‌اند. علاوه بر این، طبق نظر مؤلف آنها در تألیف آثار خود در زمینه تاریخ انقلاب در سال‌های ۵۷-۱۳۵۶، به منابع دست اول استناد نکرده‌اند.

تعدادی از آنها هم که در نوشته‌هایشان به اسناد تاریخی و منابع دست اول ارجاع داده‌اند، بیشتر از ترجمه‌های انگلیسی و آلمانی یا آثار محققان اروپایی و آمریکایی استفاده کرده‌اند. بنابراین تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی محدودیت منابع دست اول در آثار و تحقیقات دانشمندان شوروی سخت احساس می‌شود. و بدون شک برداشته‌ها و نتیجه‌گیری‌های آنها تأثیر گذاشته است.

در فصل دوم با عنوان «جایگاه انقلاب اسلامی از دیدگاه پژوهشگران شوروی»، مؤلف ابتدا به مفهوم و ماهیت انقلاب از دیدگاه مارکسیستی پرداخته است. طبق این دیدگاه وضعیت انقلابی، زمانی به وجود می‌آید که شرایطی سه‌گانه فراهم شود:

۱- طبقه حکمران جامعه دو قطبی دیگر نمی‌تواند در شکل موجود حکمرانی نماید.

۲- طبقه (قشر) مستضعف دیگر نمی‌خواهد تابع این حاکمان باشد، بلکه خواستار شرایط جدیدی است.

۳- تضاد میان نیروهای تولیدی جدید و مناسبات تولیدی حکمران سنتی به اوج خود می‌رسد. مجموعه این شرایط وضعیت انقلابی را بوجود می‌آورد.

مؤلف در ادامه بحث به بررسی نظریات چند تن از پژوهشگران شوروی درباره انقلاب اسلامی پرداخته است. به عقیده **عرباجیان** در پژوهش خود تحت عنوان «زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی به وجود آمدن انقلاب اسلامی»، روند کاپیتالیسم اقتصادی در دهه‌های ۷۰-۱۹۶۰ م. به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر عناصر سنتی و مناسبات اقتصادی تأثیر گذاشت و این موضوع باعث ایجاد تضادهای طبقاتی در ایران گردید. **عرباجیان** در ادامه معتقد است که در آغاز انقلاب اسلامی، در شهرهای ایران مناسبات سرمایه‌داری به طور کامل شکل گرفته بود و زمینه اصلی اجتماعی - اقتصادی انقلاب همان وضعیت‌های مخصوص سرمایه‌داری و تضادهای میان شیوه تولید مدرن و سنتی بود. به عقیده او زندگی توأم با تجمل‌گرایی اطرافیان شاه، بوروکراسی و خرج‌های بیهوده، در طبقات پایین یک حس تنفر را به وجود آورد.

طبقات مستضعف احساس می‌کردند که رژیم حق آنها را ضایع

می‌کند، بنابراین به تدریج حس ضد شاهی در آنها برانگیخته شد. علاوه بر این، ایران در نتیجه اصلاحات صنعتی از یک کشور عقب‌مانده به یک کشور کاپیتالیستی تبدیل شد و مناسبات کاپیتالیستی همه رشته‌های اقتصاد را فرا گرفت و تضادهای خاص کاپیتالیستی در ایران به وجود آمد و خواه ناخواه همین تضادها زمینه‌های انقلاب را به تدریج فراهم کرد.

بایمت اف در پایان این فصل به نظریات **ولیاوا** و **اسکلپاروف** اشاره کرده است. **ولیاوا**، وضعیت نامطلوب در آمد کشاورزان در مقایسه با کارمندان و کارکنان شهرها، ناقص بودن اصلاحات ارضی، وضعیت بد اقتصادی، شرایط نامطلوب زنان و پیمان شدن حقوق آنان را در گسترش نارضایتی‌ها مؤثر دانسته است. **اسکلپاروف** نیز به مواضع شاه در برابر احزاب و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های ضدشاه و سیاست‌های اتخاذ شده نسبت به آنها اشاره کرده است.

فصل سوم کتاب به بررسی نقش عناصر خارجی و داخلی در گسترش وضعیت انقلابی در ایران اختصاص دارد. در ابتدای فصل، مؤلف با تکیه بر آثار پژوهشگران شوروی از جمله **ام. بی. نی نشویلی**، به ناکارآمدی و ناکافی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا از وضعیت انقلابی در ایران اشاره کرده و می‌نویسد: اگر چه جیمی کارتر در برنامه سیاست خارجی آمریکا منادی حقوق بشر بود، اما در سیاست خارجی آمریکا تفاهمی بین اصول تأمین اسلحه و اصول حقوق بشرو وجود نداشت. به عنوان نمونه، کارتر در جهان درباره دموکراسی و حقوق بشر صحبت می‌کرد، اما در ایران از فشارهای حکومتی حمایت می‌نمود. پژوهشگر شوروی، **نشویلی** بر اساس تحلیل خود به این نتیجه می‌رسد که طرفداری و حمایت آمریکا از رژیم شاه در ماهیت اطلاعاتی که توسط سازمان‌های اطلاعات برای رهبری سیاسی ارسال می‌شد، تأثیر می‌گذاشت و این امر باعث می‌شد که حتی در گزارش سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا گفته شود که در ایران هیچ‌گونه وضعیت انقلابی برقرار نیست.

در ادامه این فصل، به نقش جنبش دانشجویی در گسترش وضعیت انقلابی از دیدگاه **ل. ی. اسکلیاروف** نیز اشاره شده است. به باور این محقق شوروی، تداوم تظاهرات دانشجویان یکی از نشانه‌های تبدیل وضع انقلابی به انقلاب قطعی بود. وی علاوه بر فعالیت دانشجویان، به نقش و جایگاه طبقه کارگر در حرکت‌های ضد شاه نیز پرداخته است. **اسکلپاروف** معتقد است که چاره جویی و اقدامات رژیم شاه درباره افزایش حقوق کارگران و ترتیب برنامه‌هایی برای تأسیس شرکت‌های ساختمانی و غیره نتیجه دلخواه را نداد، بنابراین شاه که در اقداماتش ناکام مانده بود از نظامیان استفاده کرد.

بررسی شرکت دانشجویان در حرکت‌ها و نهضت‌های اجتماعی دهه ۷۰ - ۱۹۶۰، موضوعی است که در نوشته‌های **پورتایف**، جایگاه خاصی داشته و مؤلف به گوشه‌هایی از نظریات این پژوهشگر شوروی نیز پرداخته است.

به عقیده او همزمان با سیاسی‌تر شدن دانشگاه‌ها، نظر دانشجویان به سه گرایش ملی‌گرایی، لیبرالی، چپ‌گرایی رادیکال و سوسیالیستی

به عقیده بایمت اف، پژوهشگران شوروی در ارائه نظریات خود راجع به انقلاب اسلامی ایران به نظریات مارکسیستی - لنینیستی پایبند بوده‌اند و تمام مسائل و موضوعات تاریخی را از این دیدگاه مورد ارزیابی قرار داده‌اند

طبق نظر بایمت اف، پژوهشگران شوروی درتألیف آثار خود در زمینه تاریخ انقلاب در سال‌های ۵۷-۱۳۵۶، به منابع دست اول استناد نکرده‌اند. تعدادی از آنها هم که در نوشته‌هایشان به اسناد تاریخی و منابع دست اول ارجاع داده‌اند، بیشتر به ترجمه‌های انگلیسی و آلمانی یا آثار محققان اروپایی و آمریکایی استناد کرده‌اند

به عقیده نشوبلی، اگر چه «جیمی کارتر» دربرنامه سیاست خارجی آمریکا منادی حقوق بشر بود، اما در سیاست خارجی آمریکا تفاهمی بین اصول تأمین اسلحه و اصول حقوق بشر وجود نداشت

چهارم مؤلف به نظریات ا. ز. عرباجیان استناد کرده و می‌نویسد: بعد از روی کار آمدن دولت بازرگان، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی نامه تبریکی برای مهندس بازرگان فرستاد اما این‌اعلام شناسایی ایران از طرف کشورهای سوسیالیستی، از جانب جمهوری اسلامی که در حال شکل‌گیری بود، با گرمی مواجه نشد و حتی سیاست ضد شوروی ایران در افغانستان به خوبی نمایان گردید. به باور عرباجیان، جمهوری اسلامی سعی کرد که در سیاست داخلی و خارجی خود راه سوم (یعنی اسلام) را انتخاب کند. جمهوری اسلامی در سیاست خارجی در وهله اول اولویت را به کشورهای اسلامی، سپس به کشورهای جهان سوم و در نهایت به کشورهای دیگر می‌داد.

کتاب آقای لقمان بایمت اف در نوع خود بدیع و تازه است؛ زیرا اکثر محققان ایرانی آشنایی کمتری با زبان روسی دارند، بنابراین برای آن دسته از محققانی که در حوزه تغییرات اجتماعی و علل انقلاب اسلامی ایران مشغول پژوهش هستند متمر ثمر خواهد بود؛ ولی با این وجود از آنجا که مؤلف محترم بنا به سلاقی خود تعدادی از مطالب برگرفته از مقالات و کتابهای محققان شوروی را گزینش کرده در خلال این مطالب به ارائه نظریات این محققان پرداخته است، اثری جامع و مانع نیست. به هر حال این اثر می‌تواند راهگشای ترجمه آثار تک‌تک نویسندگانی باشد که به انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و قسمتهایی از نظریات آنان در این کتاب مورد استناد قرار گرفته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- برای آگاهی بیشتر درباره این فرضیه ر. ک: محمدرضایپهلوی: پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، ۱۳۷۱. همچنین برای بررسی و استنباط نظریات سلطنت‌طلبان ر. ک: ویلیام شوکراس: آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۶۹؛ ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز: خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۵.

۲- برای اطلاع بیشتر درباره تئوری مدرنیته و نقش آن در سقوط پهلوی ر. ک: نیکی کدی: ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۷۰.

۳- برای اطلاع بیشتر درباره نقش مذهب در انقلاب اسلامی ر. ک: عباسعلی عمید زنجانی: انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، طوبی، ۱۳۷۵؛ منوچهر محمدی: تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران/امیرکبیر، ۱۳۷۲.

۴- برای آگاهی بیشتر درباره نقش اقتصاد در علل انقلاب اسلامی ر. ک: فرد هالیدی: دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک آئین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸؛ ریچارد کانن: چرا شاه سرنگون شد، برگردان: محمدعلی آتش برگ تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۶۲.

۵- لقمان بایمت اف: انقلاب اسلامی از دیدگاه محققان شوروی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

مبتنی بود. در ابتدا انتقاد دانشجویان از سیستم‌مدارس آموزش عالی شروع و به تدریج درخواست آزادی سیاسی عنوان شد و در پی آن شعار سرنگونی رژیم شاه دنبال گردید.

مؤلف در فصل چهارم کتاب به شخصیت و مقام امام خمینی (ره) از دیدگاه محققان شوروی اشاره کرده است. در ابتدای فصل مؤلف به بررسی کوتاهی از آراء خانم ی. ا. دراشینکا درباره روحانیت شیعه در ایران معاصر استناد کرده است. به عقیده خانم دراشینکا، سیاسی شدن اندیشه‌های فقهی در بین روحانیت شیعه رانخستین بار باید در فعالیت‌های امام خمینی (ره) بازجست که پس از فوت آیت‌الله بروجردی در صحنه سیاسی ایران تجلی پیدا کرد.

همچنین در این فصل به دیدگاه چند تن دیگر از محققان شوروی از جمله اسکلیپاروف، علی‌اف، آقاییوف و ژوکوف درباره امام خمینی (ره) پرداخته شده است.

مؤلف در فصل پنجم کتاب به آراء دو تن از پژوهشگران شوروی یعنی س. م. علی‌اف و ا. ی. ژیکالنیا راجع به بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداخته است. در این فصل مباحثی چون تهیه متن قانون اساسی جدید و نظر گروه‌های مختلف سیاسی در مورد آن، ویژگی‌های قانون اساسی نخستین، دستور انتخابات مجلس خبرگان - جهت بررسی متن جدید قانون اساسی - به دستور امام خمینی (ره) و غیره مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل ششم کتاب به تحلیل روابط بین‌المللی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر طبق آثار محققان شوروی اختصاص دارد. درگفتار اول این فصل به تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی ایران اشاره شده است. مؤلف با بررسی کتاب پژوهشگر برجسته شوروی، ل. م. کولایگینا، ابتدا به بررسی سیاست خارجی دولت موقت از دیدگاه این پژوهشگر می‌پردازد و می‌نویسد: دولت موقت پس از استقرار از «پیمان سنتو» خارج شد، تمام قراردادهای منعقدشده در رابطه با بهره‌برداری از ذخایر طبیعی ایران توسط شرکت‌های آمریکایی را لغو کرد، متخصصان آمریکایی را از ایران اخراج نمود، ارتباط سیاسی با اسرائیل و آفریقای جنوبی را قطع کرد و سازمان آزادی بخش فلسطین را به رسمیت شناخت.

به عقیده کولایگینا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به استراتژی اقتصادی - سیاسی امپریالیسم و پیش از همه آمریکا نه تنها در ایران بلکه در منطقه خلیج فارس ضربه شدیدی وارد کرد و در نتیجه احساسات ضد آمریکایی در کشورهای جهان اسلام تقویت شد.

به عقیده او ارتباط ایران با کشورهای سوسیالیستی اعتراضاتی را به وجود آورد که از آن جمله می‌توان به فعالیت‌های ضد شوروی در مطبوعات و رسانه‌ها اشاره کرد.

گفتار دوم این فصل به مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی در خاورمیانه اختصاص دارد. در این گفتار به مناسبات ایران با فلسطین، لبنان و مصر اشاره شده است. در بررسی روابط ایران با شوروی در گفتار